

ترامپ به دنبال چیست؟

صبح نو: اقدام ترامپ در تروریستی خواندن سپاه چه معنایی دارد و چه هدفی را دنبال می‌کند. به نظر می‌آید این اقدام را باید در چارچوب سیاست «رژیم پنج» ایالات متحده تحلیل کرد. جدای از ابعاد نظامی و امنیتی این اتفاق که میل ترامپ را به متشنج کردن فضای خاورمیانه می‌رساند، ابعاد جامعه‌شناسی-سیاسی این موضوع هم اهمیت دارد. تیم ترامپ برخلاف دموکرات‌ها که سیاست داخلی ایران را به بخش معتدل و رادیکال تقسیم می‌کنند و تلاش دارند از این شکاف در جهت مذاکره و معامله بهره ببرند، به دنبال شکاف میان دولت و ملت هستند. این شاید بزرگ‌ترین تفاوت سیاست‌گذاری این دو گروه سیاسی درباره ایران باشد. مصداق این تفاوت سیاست در برجام و اقدام جدید ترامپ درباره سپاه قابل توضیح است. برجام نمونه همکاری میان‌روهای ایران و دموکرات‌های آمریکا بود که به تقویت میان‌روها در دو انتخابات ۹۴ و ۹۶ انجامید. اما اقدام تازه ترامپ نمونه کاملی از قصد او برای ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت است؛ بدین ترتیب که جامعه ایرانی را علیه سپاه بشوراند، اما حاصل به عکس است. هم نیروهای سیاسی با وجود اختلاف نظر -از اصلاح‌طلب رادیکال تا احمدی‌نژاد و برخی چهره‌های مشهور منصف خارج از ایران- به حمایت از سپاه پرداختند و هم نیروهای اجتماعی با سپاه همدلی کردند. چنین حمایتی کم‌نظیر است.



سال چهارم شماره ۲۱۸ چهارشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۹۸هـ

www.hadinews.ir

کانال معیار در سروش @meyar.pb

سیاست آتش افروزانه

ابتکار: «ایران باید مصالحه کند!» این جان‌مایه رویکرد دولت ترامپ در قبال ایران است که در مقاله «برایان هوک» مسئول امور ایران در وزارت امورخارجه آمریکا بازتاب یافته است. هوک که بلافاصله پس از اعلام تروریست خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی دونالد ترامپ، مقاله خود را در روزنامه نیویورک تایمز انتشار داد، با متهم کردن جمهوری اسلامی ایران، سرانجام خواست‌های چهارگانه‌ای را از تهران بیان کرد: عدم دستیابی به سلاح هسته‌ای؛ توقف آزمایش موشک‌های بالستیک؛ توقف حمایت از گروه‌های به‌زعم او تروریستی و توقف بازداشت دوتابعیتی‌ها.

دولت ترامپ در همه زمان تصدی قدرت در آمریکا به صورت ناکام کوشیده است گام به گام و با اعمال قدرت و نفوذ جهانی و منطقه‌ای خود، در حوزه‌های دیپلماسی و اقتصاد، فضای تنفسی ایران را محدود و حتی به پیش از توافق هسته‌ای «برجام» بازگرداند. آخرین اقدام هم نزدیک شدن به دیواره امنیتی ایران با تروریست خواندن سپاه پاسداران در چارچوب سیاست «فشار حداکثری» است. هدف در این کار اخلال در سیستم عصبی ایران با چند ابزار بوده است؛ نخست: ایجاد شوک در جامعه ایرانی و دوم: منزوی کردن ایران در جامعه بین‌الملل با ناگزیر شدن تهران به اقدام‌های واکنشی و دست کشیدن از ابزار دیپلماسی است. به عبارت دیگر همه تلاش واشنگتن در این بخش، محروم کردن تهران از امکان دیپلماسی است که موجب ماندگاری آن در جامعه بین‌الملل است. متحدان کاخ سفید در اعمال فشار حداکثری به تهران تاکنون به اسرائیل، عربستان و امارات عربی متحده محدود شده است.

این درحالی است که نه تنها سازمان ملل متحد، بلکه اروپا، روسیه و چین با نگرانی و سوءظن به سیاست‌های دولتمردان آمریکایی نگرینسته و سرانجام آن را مغایر با منافع کوتاه و بلندمدت خود ارزیابی می‌کنند. مهم‌تر اینکه دولت ترامپ در اجرای سیاست‌های ضدایرانی خود مجبور به نقض توافقنامه‌ها و قوانین بین‌المللی شده است. تروریست خواندن بخشی از حاکمیت یک‌کشور، اقدامی بی‌سابقه و خطرآفرین است که اگر مورد تایید جامعه بین‌الملل قرار گیرد، به عنوان یک رویه ناصواب و ناقض حاکمیت نظام‌های سیاسی در هر نقطه از جهان معمول خواهد شد. از همین رو جامعه جهانی به‌رغم هراس از دامنه قدرت ایالات متحده، با تردید و سوءظن، ناظر اقدام‌هایی هستند که ناکامانه دنبال شده است. واکنش جامعه بین‌المللی به اقدام ناقض حاکمیتی اخیر دولت ترامپ، انتظاری است که باید به آن پاسخ داده شود. اما واکنش تهران در این بزنگاه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

چرا عصبانیت امریکا از سپاه سر ریز شد؟

جوان: همسویی جنگ طلبان حاکم بر کاخ سپاه و صهیونیست‌ها موجب شد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست تروریستی آن‌ها قرار گیرد. این تصمیم امریکایی‌ها را صرفاً نمی‌توان امری شتاب‌زده و احساسی تلقی کرد. آنچه امریکا اعلام کرد نتیجه عقده حقارت و ناکامی ۴۰ ساله‌ای است که دژ استوار سپاه در حفاظت همه‌جانبه از هویت و استقلال ایران و غرب آسیا به ارمغان آورده است. بدون تردید امریکا سپاه را عامل ناکامی همه طراحی‌ها و دسیسه‌های خود در خاورمیانه از یک سو و ماندگاری نظام جمهوری اسلامی از سوی دیگر می‌داند. وقتی رئیس‌جمهور یک ابرقدرت که ۷ تریلیون دلار در خاورمیانه هزینه کرده است با هواپیمای چراغ خاموش و شبانه در یک فرودگاه متروکه در عراق می‌نشیند، می‌توان فهمید که سوزش این درد و حقارت از کجا ناشی می‌شود. اما به دور از تعلقات و عواطف ملت ایران نسبت به نهاد مقدس سپاه، واقعاً علت اقدام امریکا چیست؟ در نگاه اول همه بر این باورند که سپاه عامل اخراج امریکا از خاورمیانه و ناکام گذاشتن تروریست‌ها در منطقه اسلامی است، این صرفاً بخشی از پازل ناکامی امریکا است.

۱- امریکا با جنگ اطلاعاتی، امنیتی، رسانه، روانی و سایبری به میدان مبارزه با نظام آمده است. راهبرد فروپاشی از درون از طریق جنگ روانی و اقتصادی و نفوذ جریانی و فردی تاکنون با محوریت سپاه خنثی شده است.

۲- سپاه در همه دوران تحریم توانسته است شعله کار و توسعه را در کشور فروزان نگه دارد. در اوج تحریم از پالایشگاه تا راه‌آهن و جاده و گازرسانی، سد و... از سوی سپاه انجام شده است. سپاه از عوامل اصلی ضربه‌گیری تحریم‌های امریکا علیه ایران بوده است که خودکفایی بنزین آخرین شاهکار این جریان مقدس و مردمی است.

۳- سپاه و جریان مردمی وابسته به آن در جهان اسلام، محیط خاورمیانه اسلامی و خلیج فارس را برای امریکا ناامن کرده است. کشتی‌های آنان را کنترل می‌کند. بر مقرهای امریکا در عراق و سوریه و حاشیه جنوبی خلیج فارس تا افغانستان اشراف دارد و این اشراف و اقتدار کاخ سفید را به دیوانگی کشانده است.

۴- سپاه در ۱۵ سال گذشته پروژه‌های دولت‌سازی، ملت‌سازی، افزایش امنیت صهیونیست‌ها، تجزیه جهان اسلام، تسلط بر منافع برخی کشورهای اسلامی و رشد تروریسم در غرب آسیا را ناکام گذاشته است لذا باید واکنش به این حقارت را درک کرد.

۵- سپاه محور بازدارندگی دفاعی در حوزه موشکی رسانه‌ای و جنگ روانی است.

۶- سپاه آچار فرانسه ملت ایران و سنگ زیرین آسیاب در همه حوادث و پدیده‌ها است. در هر گوشه‌ای خلأیی ایجاد شود همه چشم‌های مردمی و دولتی به سپاه دوخته می‌شود. از دور زدن تحریم تا مقابله با قاچاق، از سیل‌زدایی تا آبرسانی، از زلزله تا مقابله با تروریسم با محوریت سپاه انجام می‌شود.

ابزارهای کارآمد ایران برای مقابله با جنگ ارزی آمریکا

خراسان: در روزهای اخیر همتی رئیس کل بانک مرکزی پالس هایی از یک نبرد تمام عیار در حوزه ارزی را می داد. منتهی دقیقاً مشخص نبود که جریان چه بوده است چرا که بازار ارز تا همین روزهای اخیر، دقیقاً بر خلاف سال گذشته، روند نسبتاً با ثباتی را طی کرد. با این حال، هم اینک مشخص شده است که آمریکا با همکاری برخی کشور های عربی منطقه با استفاده از تجربه سال گذشته خود در تعطیلات نوروز و همچنین با سوء استفاده از تعطیلی نسبی بازارها و مجال یابی معاملات لفظی، فردایی و کاذب، قصد داشته به تولید پالس های قیمتی بپردازد و با جدی شدن اثر روانی نرخ های مجازی ارز، همان وقایع ارزی سال قبل را در کشور پیاده کند. قصدی که اتفاقاً با هجمه سنگین و همه جانبه ای نیز همراه بوده است. مسیر هجمه ارزی اخیر از درون شیخ نشین کوچک جنوبی یعنی دبی در امارات می گذشت و می گذرد. ایجاد تقاضاهای بزرگ برای درهم جهت افزایش نرخ برابری آن با ریال که با توجه به رابطه نرخ درهم و دلار، به کاهش ارزش ریال در برابر دلار منجر می شد، نقطه کانونی این تلاش ها بوده است. با این حال، به نظر می رسد آمریکا در این عرصه نتوانسته و نخواهد توانست توفیق چندانی کسب کند. به دلایل زیر:

۱- گزارش ها هم اینک حاکی از آن است که در نقطه آغاز این هجمه ارزی یعنی تعطیلات نوروز، بر خلاف سال گذشته، صرافی های بانک مرکزی در بازار حضور داشته و تعطیل نبوده اند.

۲- در فروردین امسال، برخلاف سال گذشته که در تلاطمات ارزی بهمن و اسفند ۹۶، دست بانک مرکزی برای نقش آفرینی در بازار نقد بسته بود، این بار بانک مرکزی با سیاست های پیشینی، دست پری از نظر منابع ارزی داشت.

۳- سومین عامل مربوط به سیاست جدیدی است که بانک مرکزی پس از تغییر مدیریت و به توصیه کارشناسان در پیش گرفته که به تغییر نقشه ارزی موسوم است. به این معنا که اتکای ارزی عمدتاً متکی بر کانال های موجود در دبی، به دلیل همکاری این کشور با بازوهای تحریم گر آمریکا در منطقه، به نحو هوشمندانه ای در حال چرخش به سوی همسایگان نزدیک و کانال های مطمئن (به لحاظ سیاسی) به خصوص عراق است.

۴- چهارمین عامل نیز به بازار متشکل ارزی بر می گردد که هم اینک مسئولان بانک مرکزی وعده راه اندازی آن را تا اواخر فروردین داده اند. بدین ترتیب بسیار امید می رود که مرجع قیمت گذاری نرخ ارز به جای اتکا به یک نقطه خارجی، به داخل کشور انتقال یابد و عرضه و تقاضای داخلی، نرخ صحیح ریال در برابر دلار را مشخص کند.

آموزش تحلیل سیاسی / مربع راهبردی ۹۸ (۲)

برای مثال، یکی از فرماندهان سابق قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء درباره ی چگونگی شکل گیری واحد مهندسی جنگ چنین می گوید: "مهندسی جنگ در دفاع مقدس از شکست حصر آبادان، آن هم فقط با یک دستگاه لودر شکل گرفت و رفته رفته در طول یکی دو سال بعد به یک سامانه ی مناسب در جهت رفع نیاز این دسته از دفاع تبدیل شد. در پایان دفاع مقدس یک لودری که مهندسی در زمان حصر آبادان داشت، به ۴-۵ هزار لودر و بولدوزر تبدیل شده بود و اینها با شرایط آن زمان که ما از یک طرف در تحریم و محاصره بودیم و از طرف دیگر با کارشکنی های دولت (بنی صدر) روبه رو بودیم، یک معجزه بود."

مخاطب اصلاحات اقتصادی

دنیای اقتصاد: اقتصاد ایران در سال گذشته دو نوع مکانیزم سیاست گذاری را تجربه کرد: قیمت گذاری برای برخی کالاها و خدمات در کنار سهمیه بندی مقداری. قیمت گذاری ارز و در ادامه «عرضه ارز با نرخ پایین تر از بازار با هدف پایین نگه داشتن قیمت کالاها و خدمات» مصداق مکانیزم اول است، به تبع این سیاست در برخی مقاطع برای شماری از کالاها براساس کارت ملی سهمیه تعیین شد. این سیاست ها در گذشته نیز به اشکال مختلف تکرار شده است؛ اما چه نتیجه ای داشته است؟ هر دو سیاست در میان مدت نه تنها بازار را متعادل نکرد، بلکه منافع سیاست گذار، مصرف کنندگان و حتی تولیدکنندگان را به خطر انداخت. اگر سیاست گذار با هدف کسب رضایت چنین سیاستی را اجرا و دنبال کرد، فقط کافی بود یک بررسی ساده میدانی انجام دهد تا بی واسطه دریابد تصمیم به هدف نخورده است. منافع مصرف کنندگان و تولیدکنندگان هم تامین نشده است؛ چون اجرای این سیاست به ثبات منجر نشد. گزارش رسمی بانک مرکزی نیز نشان داد سیاست تخصیص ارز با نرخ ۴۲۰۰ تومان، از آذر سال قبل اثرگذاری خود را از دست داده است. قیمت بخشی از کالاهایی که ذیل این سیاست وارد شده اند حتی بالاتر از نرخ ارز در بازار به دست مردم رسیده اند؛ شاهد قیمت گوشت در ماه های پایانی سال قبل. یا برخی نهادهای تولیدی که به کشور وارد شده اند با اختلال در توزیع روبه رو هستند و با قیمت های بسیار بالاتری به دست تولیدکنندگان می رسند؛ شاهد کنجاله برای صنعت طیور. به این دو شاهد می توان گزارش مرکز پژوهش ها را نیز اضافه کرد که با بررسی کارنامه سبد کالاهای مشمول ارز ارزان در بخش مصرف کننده و تولیدکننده نوشت: این سیاست نتوانسته قیمت کالاها را ثابت نگه دارد و در مقابل سبب سایر هزینه های جانبی مانند افزایش رانت و فساد، اتلاف منابع و کسری بودجه برای دولت شده است. جدای از عوارض اقتصادی، آثار اجتماعی طرح نیز قابل مطالعه است. برای نمونه وقتی کالاها با قیمت بالاتر از قیمت هدف به دست مردم رسیدند، تصمیم گرفته شد برخی کالاها براساس کارت ملی و سهمیه به هر فرد داده شود. تجربه گذشته نشان داده نتیجه جیره بندی در هر بازاری و تقسیم آن به دسته های مختلف نهایتاً تلاش بازیگران را درخصوص استفاده از این شکاف های قیمتی و مقداری در پی دارد. اما برای یک مساله تکراری یک راه حل تکراری ارائه شد نتیجه؛ پدیده صف فروشی گزارش شد